

فصلی دیگر از کتاب هنرپیشگی
دکارگردانی، نوشته د. ج. دزموند
که آقای دکتر مهدی فروغ
آن را به فارسی برگردانده اند.

هنرپیشگی

آزمایش - سخن - دنباله سخن - لهجه - تعلیم حرکت - مطالعه شخص بازی -
ایجاد صوت - تنظیم زمان و تضاد و تقابل - حرکت دست و سر - همکاری -
تمرین بالباس - «اعصاب» - نمایش

آن دسته از خوانندگان این کتاب که بیش از هر کار به هنرپیشگی
علاقه مندند و این کتاب را تا اینجا مطالعه کرده اند لابد مطالبی در این خصوص
فرا گرفته اند که امیدواریم برای آنها مفید باشد. این فصل را چهارمین
بخش این کتاب قرار دادیم زیرا هنرپیشه غیر حرفه‌ای که می‌خواهد در این
کار فرعی خود توفیق زیاد حاصل کند باید اطلاعاتی کافی راجع به فن
کارگردانی داشته باشد. همچنین باید توجه کند که او یکی از اعضای
یک گروه بزرگ است و هر قدر هم که در کار خود ورزیده باشد التذاذ
او در این کار منوط به همکاری دیگران است.
بمحض اینکه یک هنرپیشه غیر حرفه‌ای نخستین نقش کوچک خود را
خوب انجام داد احتمال دارد که بی اندازه از خود راضی بشود. این تغییر
حالت اگر با اعتماد بنفس همراه باشد چندان عیب بزرگی نیست.
جاه طلبی نیز صفت بسیار خوبی است ولی بعد از چندین سال تجربه من
کاملاً مطمئنم که هیچ چیز بیش از شوخ طبعی نمیتواند برای شما با ارزش
باشد. در انجمن غیر حرفه‌ای، یک عده زن و مرد مختلف در یک محل
جمع میشوند - یا باید جمع شوند. بعضی از مردم، این نوع انجمنها را
یک بنگاه عقد و ازدواج، و بعضی دیگر آنجا را پناهگاهی برای گریز
از زندگی خالی از عشق تلقی میکنند. کسانی که در اداره یادگان یا کارگاه
خود یک آدم معمولی بیش نیستند اغلب تحت تأثیر نفوذ صحنه تأثر افرادی
برجسته میشوند. بعضی از زنها و مادرانی که از زندگی داخلی خود بستوه

آمده‌اند باین وسیله می‌توانند در عالم خیال چند ساعتی بدوران گذشته خود برگردند . مسؤل نمایش که مرد سختگیری باشد پس از اینکه مدتی بیهوده بسراغ این‌و آن می‌رود و مایوس برمیگردد وقتی خود را بامقداری سیم و چند نورافکن تنها می‌یابد ، بتدریج در رفتار خود ملایم و سازگار میشود .

البته همیشه مسائلی پیش می‌آید که انسان را در زندگی مایوس میکند . بندرت ممکن است آن نقشی را که شما تصور میکنید از عهده ایفای آن برمی‌آید بشما محول کنند . ممکن است عده‌ای بشما حسد بورزند و حتی برای شما حرف درآورند . ولی اگر شما باشوخ طبعی باین ناملایمات مواجه شوید مسلماً رنجی نصیب شما نخواهد شد . بسیاری از همکاران شما خود را موجوداتی بسیار مهم بحساب می‌آورند و میکوشند هرکسی را تحت تأثیر هوش و ذکاوت خود درآورند . اجازه ندهید این چیزها شمارا آزار دهد و همیشه تبسمی برای جبران کوششهای خود در گوشه لب داشته باشید . در این صورت مسلم است که از آن کمال لذت را خواهید برد .

اگر بخاطر داشته باشید که هنرپیشه غیر حرفه‌ای این سرگرمی را فقط برای تحصیل رضایت خاطر خود انتخاب کرده و هیچ علاقه‌ای به انجام وظیفه ، در مقابل اجتماعی که هنر را ادراک نمیکند ندارد زیاد از مرحله دور نخواهید بود . بعضی از هنرپیشه‌های غیر حرفه‌ای بقدری جدی وارد کار میشوند که بسیاری از تلاش‌ها و کوشش‌های آنها بیهوده و بی نتیجه میماند و پیشرفتشان نیز در این راه بسیار کند خواهد بود . باید دانست که هنرپیشگی ، هنر است و هنر بزرگی است . آنچه شما در این مورد میدانید هرگز کافی نیست و در فرا گرفتن هم هرگز کوتاهی نکنید . با وجود اینکه من بشما سفارش کرده‌ام که زیاد در کارها سختگیر نباشید ولی تأکید میکنم که فقط در موقعی در کار خود موفق خواهید شد که قسمتی از وقت و کوشش خود را صرف مطالعه کنید .

اگر شما فصلهای گذشته را مطالعه کرده باشید لابد متوجه‌اید که در يك نمایش غیر حرفه‌ای چه انتظاراتی از شما دارند . وقتی نقش شما بشما محول شد و از شما خواستند که خودتان را برای آزمایش آماده کنید فوراً مشغول مطالعه نمایشنامه بشوید . ابتدا لازم نیست که راجع به نقش خودتان زیاد ناراحت بشوید . یکی دوبار نمایشنامه را از آغاز تا انجام بخوانید تا يك نظر کلی راجع به حوادث داستان حاصل کنید . در این موقع

میتوانید راجع به نقشی که در اختیار شما گذاشته شده فکر کنید .
در این مورد باید زیاد فکر کنید و تصمیم بگیرید که اگر این نقش
واقعا بشما داده شود آن را چگونه بازی خواهید کرد . اگر نمایش آن را
قبلا دیده باشید بامراجعه به خاطرات خود شاید بتوانید نکاتی از آنچه
دیده‌اید بیاد بیاورید .

در آزمایش هرچه بشما گفته میشود عمل کنید و توضیح و پیشنهاد
اصلا ندهید . در بازی زیاد روی نکنید و زیاد هم در بند فصاحت و بلاغت
بر نیائید . سعی کنید زود دنباله سخن را بگیرید و هرچه در قوه دارید
در بیان کلمات و توصیف آنها کوشش کنید تا درجه استنباط شما از آن نقش
معلوم شود . راجع به تمرین نخستین در فصلهای پیش صحبت کرده‌ایم .
خواندن نمایشنامه توسط تمام هنرپیشه‌ها بسیار مهم است زیرا متوجه
میشوید که رفقای شما نقشهای خود را چگونه اجرا میکنند و شما نقش
خود را به چه نحو باید اجرا کنید .

در این موقع شما متوجه شده‌اید که مسؤلیت تمام نمایش بعهده
کارگردان است و افکار و عقاید شما هرچه باشد باید با افکار و عقاید
کارگردان تطبیق کند . باید بدانید که کارگردانی شغلی نیست که به آن
حسد بتوان برد چون کارگردان همیشه میکوشد بهترین خدمت را بهر کس
بکند . شما فقط يك واحد سازمان او هستید و بدون كمك او هیچ کاری
از شما ساخته نیست و اگر هم ساخته باشد خیلی کم است . اگر راجع به نحوه
بازی خود مردد یا ناراضی هستید از او كمك و راهنمایی بطلبید . و تصور
نکنید که چون شما را برای اجرای نقشی در نظر گرفته است لابد قدرت
و کیاستی در شما سراغ داشته و حالا انتظار دارد شما تمام کفایت خود را
در اجرای آن نقش بکار ببرید . کارگردان عقیده خود را درباره نمایشنامه
و اشخاص بازی در پایان نخستین تمرین بیان خواهد کرد و اگر احساس
کند که شما نقش خود را کاملا درك نکرده‌اید راهنماییهای مفیدی بشما
خواهد کرد .

وظیفه بعدی شما اینست که کلمات خود را از بر کنید زیرا تا عبارات
را از بر نکنید محال است بتوانید حواس خود را برای بازی کردن جمع
کنید . حفظ کردن عبارات برای بعضی از اشخاص کار بسیار سختی است
در صورتی که بعضی در کمال راحتی آنرا حفظ میکنند . مادامی که شما
عبارات خود را از بر نمیدانید مزاحم پیشرفت کار کارگردان و مایه
ناراحتی خود و همکارانتان هستید . خیال نکنید که شما میتوانید ضمن

تمرین کلمات خود را فرابگیرید و به این امید باشید که عبارات درموقع خود بیاد شما خواهد آمد و شب نمایش مسلماً بخوبی از عهده کار خود برخوردار خواهید آمد .

اکنون ما در اینجا برای زود از بردن مطالب چند دستور می‌دهیم : هر عبارتی را که باید ادا کنید با خطی که در زیر آن میکشید از بقیه نمایشنامه مشخص سازید و بعد صفحه به صفحه عبارات خودتان را از بر کنید . این کار فقط بیک طریق میسر است و آن اینست که آنرا طوطی وار حفظ کنید . بعضی اشخاص عبارات خود را از روی محل آن در کتاب از حفظ میشوند . این رویه را رویه بصری گویند . هر جمله را بقدری تکرار کنید تا کاملاً در ذهن شما جای گیرد . صفحه کاغذ یا پاکتی را روی جمله‌های کتاب بگذارید و جمله به جمله آنرا از بر بخوانید و پاکت را پائین صفحه بکشید تا سطر آخر . اگر باین ترتیب عمل کنید دنباله سخن دیگران را هم که یاد گرفتن آن از عبارات خودتان کم اهمیت تر نیست یاد میگیرید . خیال نکنید که چون کلمات خودتان را از حفظ میدانید دانستن عبارات دیگران بشما ربطی ندارد . بالاخره شما باید در تمام مدتی که روی صحنه هستید تمام کلماتی را که روی صحنه گفته میشود از حفظ بدانید . اگر دنباله سخن دیگران را ندانید مدام در جمله‌های خودتان که با کمال دقت آنها را بخاطر سپرده‌اید میدوید و همکاران خود را که شاید از روی ترویر ، مکث‌های هیجان‌آوری در صحبت خود بکار میبرند خشمناک میسازید .

هنگامی که مشغول از بر کردن کلمات خود هستید مزاحم و مردود اجتماع خواهید بود زیرا هر جا میروید کلماتی زیر لب میگوئید که موجب ناراحتی اشخاص مجاور شما میشود . خانواده شما از دیدار شما بیزار است . ولی از وجود افراد خانواده کمال استفاده را در این راه ببرید و اگر میتوانید آنها را وادار کنید که اگر تحمل آنرا دارند به جمله‌های شما گوش بدهند . چون هیچ رویه‌ای برای حفظ کردن بهتر از این نیست که شخصی دنباله سخن دیگران را بشما بگوید و شما جمله‌های خود را بلند تکرار کنید . اگر میتوانید به اطاق خود بروید و جمله‌های خود را بلند بخوانید . ولی تا وقتی کلمات را خوب حفظ نکرده‌اید سعی کنید حواستان کاملاً جمع باشد و از آنچه مصنف نوشته عدول نکنید . همیشه کلماتی را که مصنف نوشته است فرابگیرید نه اینکه استنباطها و توجیحات خودتان را بیان کنید . بسیاری از هنرپیشه‌های غیر حرفه‌ای

فقط مفهوم عبارت را حفظ میکنند و با وجود اینکه ممکن است جمعیت را راضی سازند ولی مسلم است که هر وقت دهانشان را باز میکنند دنباله جمله‌های آنها با آنچه قبلاً گفته‌اند تفاوت دارد .

توصیه دیگر اینست که کلمات خود را هر شب پیش از رفتن بر تخت خواب مطالعه کنید . اگر در حالی که مشغول مطالعه نمایشنامه هستید شمارا خواب بگیرد وقتی بیدار میشوید عبارات مزبور هنوز در ذهن شما باقی است .

موضوع لهجه نیز شایسته توجه است . اگر نقش يك اسكاتلندی بشما محول شود و کمترین اطلاعی از طرز حرف زدن آنها نداشته باشید ممکن است وحشت کنید . تقلید لهجه برای بعضی بسیار آسان است ولی نکته مهمتر که باید توجه داشته باشید اینست که در این کار زیادروی نکنید فقط سعی کنید در نقشی که بازی میکنید بر مستمع اثر بگذارید . صرف نظر از مکالمه ، به چندین طریق دیگر میتوان این تأثیر را در مستمع ایجاد کرد . بمحض ورود ب صحنه بایبان کلمات لهجه خود را مشخص کنید . شاید مصنف کلمات و عباراتی را برای مشخص کردن لهجه شما در موقع ورود ب صحنه نوشته باشد . در این صورت فقط کافی است چند جا حالت آن لهجه را بطوری که مورد قبول عموم باشد ، در بیان خود بکار ببرید و آن اثر را در مستمع پدید آرید . ما هم به فرازونشیب لهجه مردم « گال » Galles آشنا هستیم و صدای حرف «ر» را آنطور که بین مردم « ایرلند » معمول است میدانیم و همچنین به طرز تلفظ دقیق مردم « اسكاتلند » آگاهیم . با وجود اینکه تعلیم و تربیت ما و آمریکائیاها از طریق سینما باید خیلی بهم نزدیک شده باشد من شخصاً مایل نیستم نقش يك آمریکائی را بازی کنم . تلفظ لهجه‌های مختلف مسأله مهمی نیست فقط شخص باید عقل سلیم خود را در فرا گرفتن آن بکار ببرد .

بمحض اینکه درباره کلمات خود اطمینان حاصل کردید کتاب را به کناری بگذارید . تا این موقع لابد کارگردان وضع شما و حرکاتی را که باید در روی صحنه انجام دهید بشما تعلیم داده و شما این حرکات را به همراه کلمات به ذهن خود سپرده‌اید . بهمین ترتیبی که کارگردان حرکات شمارا در تمرین‌های مقدماتی تعیین میکند شما باید در حاشیه کتاب خود علامت گذاری کنید تا عبارت و حرکت صحیح آن با هم بیاد شما بیاید . این کار مشکلی نیست و طولی نمیکشد که شما در روی صحنه جای خود را پیدا میکنید . البته اگر احساس ناراحتی میکنید یا بعقیده

شما وضعتان در روی صحنه با آنچه میگوئید تطبیق نمیکند باید حتماً موضوع را مطرح کنید و از بیان نظر خویش خودداری نکنید. ملاحظه خواهید کرد که کارگردان هم مایل است استنباط شما را دربارهٔ نقشی که بعهدہ دارید بکار بندد ولی کوشش کنید کار او دشوار نشود و در مقابل بقیهٔ هنرپیشه‌ها با او جر و بحث نکنید. اگر واقعاً یک مطلب منطقی و بحث کردنی دارید پس از پایان نمایش راجع بآن با او خصوصی صحبت کنید.

وقتی کتاب را کنار گذاشتید با احتمال قوی احساس ناراحتی خواهید کرد. چیزی در دست ندارید و شما بتدریج شروع به بازی کردن نقش خود میکنید، ولی می بینید کلمات را بکلی فراموش کرده‌اید در این صورت فوری به کتاب مراجعه نکنید بلکه به سوفلور نگاه کنید تا عبارات زودتر بخاطر شما بیاید.

این دقیقترین قسمت تمرین است و کارگردان ممکن است شما را وادار کند که یک حرکت یا یک جمله را بدفعات تکرار کنید و شما کاملاً خسته و از این کار بکلی بیزار میشوید. طولی نمیکشد که بتدریج نقش خود را احساس میکنید. بیان کلمات به تنهایی کافی نیست. فراموش کنید که شما بین رفقای خود، بالباس معمولی، مشغول تمرین هستید. سعی کنید بحقیقت وجود شخص بازی پی ببرید. پیش خود فکر کنید که چنین موجودی چگونه ممکن است راه برود؟ آیا عادات و اطوار بخصوصی دارد؟ آیا چگونه فکر میکند و عقاید خود را چگونه از طریق غیر از سخن گفتن ابراز میدارد؟ شما باید هر چه میتوانید بکوشید از جلد خود خارج شوید و عیناً همان شخصی بشوید که نقش او بعهدہ شما واگذار شده است.

پیش از اینکه وارد صحنه بشوید در گوشهٔ صحنه بایستید و راجع به نقش خود فکر کنید. حتی اگر نقشی را که بازی میکنید صحبت ندارد این کار باید عمل شود. ایستادن و راه رفتن و حرکت کردن خدمتکارها و پیشخدمتها و آبدارها مخصوص خودشان است و اگر شما نقش یکی از این افراد را بعهدہ دارید، فکر کردن شماراجع به آن، قبل از ورود بصحنه، حالت بخصوص حرکت آنها را به ذهن شما خواهد آورد.

دُنْبَالِه دَارِدُ